

جستاری در اطلاق جامع بر کتاب الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار*

سید محسن موسوی^۱ / عزت الله پاتیار^۲ / سیده فرناز اتحاد^۳

چکیده: جوامع حدیثی از جمله مباحث مهم در حوزه تاریخ حدیث است که از دیرباز مورد توجه حدیث‌نگاران و حدیث‌شناسان قرار گرفته است. ارائه تعریفی مشخص از جوامع حدیثی و به تبع آن بحث درباره اطلاق اصطلاح جامع حدیثی بر کتب اربعه از جمله مسائلی است که درباره جوامع حدیثی مطرح است و کمتر به این وجه پرداخته شده است. به همین جهت، نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و ارائه شواهد و قرائن در صدد اثبات این مطلب است که با توجه به تفاوت ساختاری و محتوایی کتاب الاستبصار شیخ طوسی با سه کتاب حدیثی دیگر، شرایط اطلاق جامع حدیثی بر آن را ندارد. هم‌چنین با منطبق نبودن متن و ساختار کتاب الاستبصار با تعاریف جامع حدیثی در زمره کتاب‌های جوامع حدیثی اولیه شیعه قرار نمی‌گیرد و در نتیجه کتاب‌های اربعه اصطلاحی صحیح نمی‌باشد و جوامع حدیثی شیعه بر اساس این جستار سه کتاب است و کتاب الاستبصار در این دسته قرار نمی‌گیرد.

کلید واژه: کتاب الاستبصار، جامع‌نگاری، جوامع حدیثی، شیخ طوسی

* دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۰۸؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۹.

۱. نویسنده اول و مسوول؛ عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران

۲. نویسنده دوم، دانشجوی دکتری دانشگاه مازندران

۳. نویسنده سوم، دانشجوی دکتری دانشگاه مازندران

۱- درآمد

پژوهش پیش‌رو با نگاهی به تعریف جوامع حدیثی به عنوان ماده‌ای درسی در رشته علوم قرآن و حدیث و به طور کلی یافتن علت یا علل نامگذاری جوامع حدیثی بر کتب حدیثی شیعه شکل گرفته است. با کاوش در کتاب‌های تراجم و رجال مشخص می‌گردد علاوه بر کتاب‌هایی که در عنوان الجامع را دارند مواردی مانند «الفقه المکمل»، «ثلاثین کتب» و «مشیخه» هم قابل جستجو است و ویژگی کلی کتاب‌های جامع یعنی «مبّوب شده براساس موضوعات فقهی» را دارند. به عنوان توضیح می‌توان اشاره کرد که کتاب کافی به عنوان اولین جامع حدیثی شیعه به تقلید از «ثلاثین کتب» تنظیم شده است: «له کتاب منها یشتمل علی ثلاثین کتاباً اوله کتاب العقل و فضل العلم و کتاب التوحید و کتاب الحجّة... و کتاب الروضة آخر کتاب الکافی» (طوسی، ۱۳۷۳، ص ۲۱۰).

اهمیت این بحث از آن جهت است که شناسایی جوامع حدیثی از غیر آن سبب می‌شود تا در وهله نخست اهداف و انگیزه‌های نویسندگان این آثار به صورتی دقیق مشخص گردد و دوم اینکه جایگاه و ارزش حقیقی آثار حدیثی بیش از پیش بر محققان نمایان شود.

پس از تألیف کتاب‌های اربعه، این آثار در میان محدثان اسلامی به جوامع حدیثی مشهور شدند. درباره این آثار از چه زمانی و بر اساس چه دلایل و ضوابطی به نام جامع حدیثی شهرت یافته‌اند، اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اما آنچه که مسلم است امروزه در میان علمای حوزه حدیث، این کتب با نام جوامع حدیثی شناخته می‌شوند.

علی‌رغم این که کتاب الاستبصار از نظر سبک و شیوه نگارش و همچنین محتوای کتاب، با سه کتاب دیگر تفاوت‌های قابل ملاحظه‌ای دارد، از ناحیه علمای حدیث، در زمره جوامع حدیثی، به شمار آمده است. کتاب الکافی، کتاب من لایحضره الفقیه و کتاب تهذیب الاحکام در بردارنده احادیث فقهی هستند و بر اساس ابواب فقه تنظیم و مدون شده‌اند؛ اما الاستبصار سبک و سیاقی متفاوت دارد و احادیث اختلافی فقهی آن هم در برخی از ابواب فقه را شامل می‌شود. با توجه به همین تفاوت‌ها می‌توان ادعا کرد که الاستبصار اولاً برای جمع روایات فقهی تدوین نشده است، بلکه ثانیاً و بالعرض

روایات اختلافی فقهی را مطرح می‌کند، کما اینکه مشاهده می‌شود این روایات را در برخی ابواب مطرح کرده است. علاوه بر این، وقتی تهذیب الاحکام به عنوان یکی از جوامع اولیه حدیثی شیعه پذیرفته شده است، دلیلی موجّه وجود دارد که کتاب دیگری را با ماهیت خلاصه کتاب تهذیب الاحکام یا برگزیده‌ای از آن، به عنوان یکی از جوامع اولیه حدیثی شیعه برشمرد؟

نوشتار پیش‌رو با هدف ارزش‌گذاری و تبیین جایگاه دقیق جوامع حدیثی، با بهره‌گیری از روش علمی و منطقی به بررسی تعاریف موجود از جامع حدیثی و بیان شرایط اطلاق لفظ جامع بر آثار حدیثی می‌پردازد و با این توضیح که اصطلاح جوامع اصطلاح علمی نیست و از روی سهل و تسامح به کار گرفته شده است به یک نمونه از آثار که با نام جامع حدیثی معروف شده است این ادعا را تبیین و تحلیل می‌کند. چرا کتاب الاستبصار جامع است؟ در صورتی که پاسخ به این پرسش مثبت است، موافقان این نظریه چه دلایلی اقامه کرده‌اند؟ چنانچه الاستبصار جامع حدیثی تلقی نمی‌شود، چه دلایلی سبب شده است تاکنون در زمره جوامع حدیثی و یکی از کتب اربعه شیعه به حساب بیاید؟ پژوهش حاضر بیان می‌کند که الاستبصار جزء جوامع حدیثی نیست و از طرفی نظریه تقریباً چندصدساله درباره جامع بودن الاستبصار را نقد می‌نماید.

۲- تعریف جامع حدیثی

جامع از نظر لغوی به معنای هر چیزی است که به دیگری ملحق شود و از آن به اجتماع تعبیر می‌شود. مصادیق این مفهوم نیز مختلف و گوناگون بوده و اختلاف در آن به سبب اختلاف در صیغه‌ها و کاربردهای آن است مانند جمعه، جامع و مجموع (مصطفوی، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۰۷)؛ و ابن منظور معنای این واژه را جمع کردن چیزی از پراکندگی و تفرقه ذکر کرده است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق، ج ۸، ص ۵۳).

اجماع اکثر اوقات در اجتماع رأی و فکر گفته می‌شود مانند: «اجمع المسلمون علی هذا»؛ یعنی آرای شان بر این جمع شد (راغب اصفهانی، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۰۱).

برخی دیگر نیز درباره لفظ جامع ذکر کرده‌اند که واژه جامع از ریشه جَمَعَ به معنی

گردآوردن و جمع کردن آمده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۴، ص ۳۱۲؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۴۷). همچنین به گروهی از هر چیز، جمع چیزهای متجانس با هم و مجموعه نیز جامع گفته می‌شود (ابن فارس، ۱۴۲۰ ق، ص ۳۶۸).

تعاریفی که برای این عنوان در دسترس است به صورت پراکنده بیان شده است و چنین به نظر می‌رسد که چنین کتاب‌هایی از ابتدا با هدف جامع‌نویسی نگارش نشده‌اند بلکه پس از جمع‌آوری و نگارش اولیه توسط عامل یا عاملان بیرونی بر آن‌ها نام جامع اطلاق شده باشد. در مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی مفهوم جوامع حدیثی» (حسین‌زاده، موسوی، ۱۳۹۸) "جامع" به کتابی اطلاق می‌شود که تبویب شده و براساس موضوعات مختلف دسته‌بندی شده باشد. براساس همین تعریف می‌توان ادعا کرد که ثواب الاعمال ابن بابویه هم می‌تواند جامع تلقی شوند از آن‌رو که هم باب‌بندی و هم اشتغال موضوعی دارند. در برابر چنین ادعایی پاسخ داده می‌شود که این کتاب‌ها جامع ابواب فقهی نیستند در نتیجه از دایره اطلاق جامع حدیثی خارج می‌شوند.

اگر همین تعریف معمول از جامع را بپذیریم که جامع کتابی است دربردارنده ابواب فقهی و اثری بزرگ و مبنی، چرا کتاب‌هایی مانند کتاب من لایحضره الفقیه و تهذیب الاحکام به عنوان جوامع اولیه حدیثی شیعه در نظر گرفته شدند؟ زیرا بیان شده است که پیش از این آثار نیز جامع‌نگاری‌های متعدد موجود بوده است (رحمان ستایش، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۱۵؛ طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۹-۱۰).

با توجه به اشتراکات و افتراقاتی که در تعریف جامع از نگاه محققان وجود دارد، مشخص می‌شود این گروه سعی بر آن داشته‌اند تعریفی از جامع‌نگاری ارائه کنند که مانند جلد یا پوششی بر تن آثار مشهور حدیثی قرار گیرد. نکته‌ای که این احتمال را قوی‌تر می‌کند کتاب‌هایی هستند که لفظ جامع بر آن‌ها اطلاق نشده است اما جزء جوامع محسوب می‌شوند برای مثال موطأ مالک و کافی کلینی. مواردی وجود دارند که لفظ جامع دارند اما براساس تعریف معمول نه جامع ابواب هشت‌گانه معارف دینی و نه جامع ابواب فقهی هستند برای مثال الجامع الکبیر فی الفقه قرطالوسی.

برخی از علمای اهل سنت در تعریف جوامع حدیثی بیان می‌دارند که جوامع حدیثی به کتاب‌هایی اطلاق می‌شود که همه باب‌های هشت‌گانه حدیثی را دربر بگیرد. بنابراین به کتابی که این هشت باب را دربر دارد، جامع می‌گویند، مانند جامع بخاری (صالح، ۱۴۱۷ ق، ص ۳۰۴).

یکی از تعاریف ارائه شده به عنوان مثال اشاره دارد که جامع، مجموعه‌ای از احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با ویژگی جامعیت در موضوعات گوناگون است و به طور طبیعی نزد شیعیان گفتارهای امامان معصوم علیهم السلام را نیز شامل می‌شود (حاج منوچهری، ۱۳۸۸، ص ۳۳۹). در پاسخ به این مطلب باید اشاره کرد که تمامی احادیث کتب جامع، بخصوص جوامع اهل سنت، منحصر به سخنان پیامبر صلی الله علیه و آله نیست. اقوال صحابه و تابعین و حتی اتباع تابعین را هم در بردارد (حسین زاده، موسوی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۵).

در کتاب جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت کتاب کافی به عنوان اولین جامع حدیثی شیعه معرفی می‌شود (نصیری، ۱۳۹۳، ص ۴۰) در حالیکه پیش از این کتاب آثار متعددی از جوامع حدیثی وجود دارند و با تعریف معمول جامع از لحاظ مبوب بودن و شامل موضوعات گسترده فقهی بودن هم همخوانی دارد (طباطبایی، رضاداد، ۱۳۸۵، ص ۱۰) در نتیجه علت اینکه کافی جزء اولین و مهم‌ترین کتاب جامع شیعه در نظر گرفته شده است مشخص نیست.

تعریفی دیگر از جوامع را چنین می‌توان اشاره کرد که «گاهی از باب تسامح به کتاب‌های سنن نیز جامع می‌گویند؛ زیرا احادیث آن جامع ابواب مختلف فقه است» (معارف، ۱۳۸۵، ص ۶۶).

در نقد این مطلب باید گفت که اولاً از میان کتب سنن، فقط سنن ترمذی به سبب شباهت با جوامع حدیثی جامع نامیده شده است و دیگر کتب سنن را با این نام نخوانده‌اند. ثانیاً از نگاه غالب اهل سنت صرف جامعیت ابواب فقهی ملاک جامع دانستن اثر نیست (حسین زاده، موسوی، ۱۳۹۸، ص ۱۲۹).

تعریف صحیح جامع حدیثی همان تعریف معروفی است که در ابتدا برخی از عالمان

عامی مذهب ارائه کردند و می‌تواند شامل برخی از کتاب‌های مهم شیعه نیز باشد: جامع اثری در بردارنده روایاتی در هشت موضوع عقائد، احکام، سیر، آداب، تفسیر، فتن، اشراط الساعة و مناقب است (همان، ۱۳۰).

شاید بتوان به عنوان تعریفی دقیق از جامع حدیثی، چنین ارائه داد که جامع حدیثی به کتابی گفته می‌شود که حداقل به یکی از موضوعات حدیثی به صورت اساسی پرداخته و تمامی و یا اکثر روایات مربوط به آن موضوع را احصا کند، خواه موضوع فقه و احکام باشد، یا موضوع عقاید و اخلاق و یا تفسیر و... بر این اساس، بسیاری از آثار حدیثی که به بیان همه یا اکثر روایات در موضوعی خاص پرداخته‌اند، اما تاکنون در ذیل عنوان جامع ذکر نشده‌اند، باید جامع به حساب آیند و بالعکس بسیاری از کتب حدیثی که تنها به صورت گزینشی و یا به صورت حداقلی به ذکر روایات درباره موضوعی خاص مبادرت کرده‌اند، نباید در شمار کتب جوامع حدیثی قرار گیرند.

۳- معرفی کتاب الاستبصار

کتاب الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، تألیف محمد بن حسن طوسی، به چهارمین کتاب حدیثی در میان کتب اربعه شیعه شهرت یافته است. با توجه به آنچه از نام کامل این اثر بر می‌آید؛ کتابی است که موجب بصیرت و روشنگری درباره روایات مختلف و متعارض می‌گردد. گاهی نیز با رمز «صا» به آن اشاره می‌شود (حجت، ۱۳۸۶، ص ۱۲۸). این کتاب از یک مقدمه، سه بخش کلی و یک مشیخه تشکیل شده است. شیخ طوسی در بخش مقدمه کتاب هدف از تدوین این اثر را جمع روایات متخالف و رفع اختلاف بیان می‌کند، وی اشاره می‌کند که هدف از این اثر گردآوری روایات مورد اختلاف و نه همه روایات است (طوسی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۲-۳).

شیخ طوسی آن‌گونه که خود در بخش مشیخه کتاب تصریح کرده است، این کتاب را در سه بخش تنظیم نموده است؛ به‌گونه‌ای که دو بخش اول را به عبادات و بخش سوم درباره دیگر ابواب فقهی از معاملات تا حدود و دیات اختصاص داده است (طوسی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۴۲). آخرین قسمت کتاب نیز، مشیخه یا سند کتاب است. مشیخه الاستبصار

همانند مشیخه تهذیب، شامل بخشی از اسناد احادیث کتاب است و بیانگر طریق شیخ طوسی به مشایخ یا اصول معتبری است که روایات کتاب از آن‌ها نقل شده است. الاستبصار، همچون تهذیب، به ترتیب ابواب فقهی یعنی از کتاب طهارت تا دیات تنظیم شده است، اما شامل همه ابواب فقهی نیست، بلکه تنها به ابوابی پرداخته که روایات متعارض در آن وارد شده است. شیخ طوسی تعداد ابواب و روایات کتاب را در پایان الاستبصار مشخص کرده است تا در آن کم و زیادی رخ ندهد. بر همین اساس، شامل ۹۲۵ باب و ۵۵۱۱ حدیث است (طوسی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۴۳).

۴- بررسی دلایل موافقان جامع بودن الاستبصار

به طور کلی موافقان جامعیت کتاب الاستبصار در ضمن نوشته‌های خود به دو دلیل یا دو نکته اساسی اشاره و تأکید دارند:

۴-۱- جایگاه والای مؤلف الاستبصار

از جمله مسائلی که در قرون چهارم و پنجم هجری گریبان‌گیر شیعه شده بود، طعن و کنایه‌های برخی از علمای اهل سنت در مسأله تعارض و اختلاف اخبار و روایات شیعه بود. همین مسأله سبب شد تا هر یک از نگارندگان کتب اربعه شیعه، آثار خود را با هدف و انگیزه برطرف کردن تناقض ظاهری اخبار و از میان برداشتن اختلافات و تعارض‌های میان روایات و جمع بین آن‌ها تدوین کنند (قاضی پور و مؤمن زاده، ۱۳۹۶، ص ۵۴). برای مرتفع کردن دائمی همین تعارض و اختلاف اخبار بود که شیخ طوسی به تدوین و تألیف دو کتاب تهذیب و الاستبصار مبادرت ورزید. ایشان در این دو کتاب کوشید تا وجوه قابل قبولی را در جمع اخبار و روایات متعارض و متخالف ارائه دهد، به ویژه الاستبصار که به صورت ویژه برای این منظور تدوین گردیده است: «کتاب الاستبصار را شیخ طوسی برای جمع‌آوری روایات مختلف نگاشته است. وی در این کتاب احادیث مخالف را به هم نزدیک و میانشان توافق معنایی ایجاد کرده است» (ابن ادریس، ۱۴۱۰ ق، ص ۲۸۶). «اولین محقق نقاد و ارزیاب بی نظیر احادیث شیخ طوسی است که با هدف رفع شبهات کلامی

در راه جمع بین روایات متعارض کوشید و کتاب جامع الاستبصار را نگاشت» (امین، ۱۴۰۳، ج ۹، ص ۱۲۹).

برخی از طرفداران این نظریه که الاستبصار جزء جوامع حدیثی شیعه است، بیان داشته‌اند: «... این کتاب‌ها در موضوع مشترک‌شان یعنی احکام فقهی، جامع اکثر احادیث بودند، لذا مرجع شیعیان شدند و کتاب‌های چهارگانه شیعه را تشکیل دادند...» (رحمان ستایش، ۱۳۷۹، ص ۲۲۲).

یک احتمال برای جامع در نظر گرفتن این کتاب این است که چون شیخ طوسی، جایگاه والایی در حدیث شیعه داشته و اولین کسی بود که به جمع‌آوری اخبار مختلف و متعارض و راه‌های جمع میان آن‌ها پرداخته است، کتاب‌های تهذیب الاحکام و الاستبصار ایشان در زمره جوامع حدیثی اولیه و در شمار کتب اربعه شیعه به شمار آمده است.

صرف داشتن چنین جایگاه ممتازی نباید مانع از آن شود تا جانب انصاف و عدالت در بررسی علمی آثار ایشان کنار گذاشته شود؛ لذا کتاب الاستبصار را باید با ملاک‌ها و معیارهایی که برای جوامع حدیثی بر شمرده‌اند، مقایسه و تطبیق نمود و بر اساس آن به ارزش‌گذاری و داوری درباره جامعیت آن پرداخت نه جایگاه خود شیخ طوسی.

۴-۲- پیشگامی الاستبصار در جمع روایات متعارض

از وجوه ضروری کتاب الاستبصار آن است که بر اساس اظهارات خود مؤلف، اولین کتابی است که در حدیث شیعه، به جمع بین روایات متعارض و مختلف در این حد از گستردگی پرداخته است. ابن طاووس درباره این اثر معتقد است: «کتاب الاستبصار برای جمع‌آوری روایات متعارض و مخالف نگاشته شده است. حال اگر در این باره روایت مخالفی می‌بود، بی‌شک شیخ طوسی آن را در کتاب الاستبصار می‌آورد و این نکته برای اهل تحقیق و توفیق بسیار روشن است» (ابن طاووس، ۱۴۰۹، ق، ص ۳۶۸).

برخی از علمای حوزه حدیث، الاستبصار را کتابی مستقل از تهذیب الاحکام و بسیار باارزش در روایات و احکام فقهی به‌ویژه روایات متعارض فقهی، قلمداد کرده و از آن با عنوان جامع حدیثی در کنار دیگر جوامع حدیثی شیعه یاد کرده‌اند: «کتاب الاستبصار

یکی از کتب اربعه و یکی از جوامع حدیثی است که اساس استنباط احکام شرعی در میان فقهای شیعه دوازده امامی از زمان مؤلف تاکنون بوده است و در سه جزء است: دو جزء در عبادات و سومی در دیگر ابواب فقه از عقود و ایقاعات و احکام گرفته تا حدود و دیات که از تعدادی از کتاب‌های تهذیب الاحکام تشکیل شده است، به جز اینکه الاستبصار به صورت کوتاه به بیان اخبار متعارض و متخالف و راه‌های جمع بین آن‌ها پرداخته است و تهذیب شامل همه روایات مخالف و موافق است» (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳ ق، ج ۲، ص ۱۴).

از محققان معاصر نیز علی نصیری، هادی حجت، محمد کاظم طباطبایی و... الاستبصار را بدون ارائه هیچ دلیل و یا مدرک متقنی و تنها به این دلیل که به جمع‌آوری احادیث اختلافی و متعارض مبادرت ورزیده، در زمره جوامع حدیثی شیعه به شمار آورده‌اند.

در پاسخ به این توجیه: جمع‌آوری صرف اخبار و روایات به تنهایی شرط کافی و لازم برای مسمی شدن به عنوان جامع حدیثی تلقی نمی‌شود. نکته دیگر اینکه کتاب الاستبصار را که در خصوص برخی از اخبار به ظاهر متعارض و مخالف است و نه همه آن‌ها، پس از تهذیب الاحکام تألیف شد که منابع و کتب تشکیل دهنده آن، تفاوت محسوسی با کتب تهذیب الاحکام ندارد و می‌توان ادعا کرد به جز یکی دو مورد از روایات، بقیه موارد به صورت کامل تکرار روایات تهذیب است فقط با نگاهی جدید که آن هم رفع تعارض است؛ هدف و مطلبی که اصلاً در هیچ‌یک از تعاریف که از جامع حدیثی بررسی شد قابل مشاهده نیست. سوم اینکه تمامی اخباری که در الاستبصار آمده است، به گونه‌ای در تهذیب نیز قابل مشاهده است، مگر اسناد برخی از آن‌ها که با یکدیگر اندکی تفاوت دارد. بر این اساس، نمی‌توان الاستبصار را جامعی حدیثی برشمرد و آن را در شمار دیگر جوامع حدیثی قلمداد کرد، بلکه نمی‌توان کتابی مستقل از کتاب پیشین خود یعنی تهذیب تلقی کرد، تنها نسخه و ویرایشی جدید از کتاب تهذیب الاحکام است.

۵- دلایل عدم اطلاق لفظ جامع بر کتاب الاستبصار

۵-۱- عدم تطابق ماهیت الاستبصار با تعاریف موجود از جامع حدیثی

جامع به کتابی گفته می‌شود که حداقل به یکی از موضوعات حدیثی به صورت اساسی

پرداخته و تمامی و یا اکثر روایات مربوط به آن موضوع را برشمارد. این در حالی است که کتاب الاستبصار فاقد شرایط مذکور در تعریف جامع حدیثی است. در مقدمه الاستبصار هدف و انگیزه مولف چنین بیان شده است: «من به‌گونه‌ای از یاران برخوردارم که وقتی در کتاب بزرگ ما، به نام تهذیب الاحکام و روایات مربوط به حلال و حرام که در آن گرد آورده‌ام، نگریسته‌اند، دریافتند که آن کتاب، بیشتر آنچه را که مربوط به ابواب فقهی و احکام است دربر دارد... لذا تمایل پیدا کردند تا کتابی را فراهم آورم که به صورت مختصر، تنها دربرگیرنده روایات مختلف و متعارض باشد تا کسی که در فقه، در حد متوسطی است، از آن برای آگاهی و آنکه در سطح کاملی است، از آن برای تذکر و توجه بهره گیرد...» (طوسی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۳).

شیخ طوسی به عنوان مؤلف اثر در تدوین الاستبصار، هیچ‌گاه به دنبال جمع‌آوری همه یا اکثر روایات در ذیل موضوعات اساسی حدیثی که عنوان شد، نبوده است؛ نمی‌توان این اثر را در زمره کتب جوامع حدیثی برشمرد.

کتاب الاستبصار به بیان روایات اختلافی فقهی پرداخته است نه روایات فقهی، علاوه بر آن، اگرچه ترتیب ابواب کتاب نیز به ترتیب ابواب کتب فقهی بوده و از کتاب طهارت آغاز و به کتاب دیات ختم می‌شود، اما همه ابواب فقهی را شامل نمی‌شود و تنها به بررسی ابوابی از فقه مبادرت ورزیده است که در آن باب‌ها، روایات متعارض و مخالف با هم وارد شده باشد.

اگر بر اساس تعریف دیگری که جامع حدیثی را به جامع مطلق و جامع نسبی تقسیم می‌کند، کتاب الاستبصار به عنوان جامع نسبی در نظر گرفته شود، باز هم این اشکال وجود دارد که چون در تدوین روایات الاستبصار گزینش و تلخیص صورت گرفته است، لذا نمی‌توان آن را حتی یک جامع نسبی نیز به حساب آورد.

جامعیت کتاب الاستبصار با هیچ‌کدام از تعاریف جامع حدیثی انطباق ندارد، از طرف دیگر شیخ طوسی در تألیف کتاب الاستبصار در گزینش روایات و ابواب کاملاً سلیقه‌ای عمل کرده است.

۶-۲- الاستبصار به مثابه جامع نسبی

جامع حدیثی به چنین اثری اطلاق می‌گردد: «کتابی که مشتمل بر تمام موضوعات

دینی و ابواب آن از جمله عقاید، احکام، سیر، آداب، تفسیر، فتن، اشراف الساعه و مناقب باشد» (عتر، ۱۴۰۶، ص ۹۹). تعریف مذکور جامع و مانع نیست اول از این جهت که در گونه‌های دیگری از کتب حدیثی همچون مسانید و معاجم نیز انواع موضوعات حدیثی وجود دارد و دیگر آنکه برخی از کتاب‌ها که در عرف علم الحدیث جامع حدیثی خوانده می‌شود از نظر محتوایی هشت قسم ندارد؛ در نتیجه کاربرد جامع بر این آثار دو مصداق پیدا خواهد کرد: الف) جامع مطلق: در این نوع از جامع درباره هر موضوعی حدیث وارد شده است مانند «صحیح بخاری» در اهل سنت و «الکافی» در شیعه؛ ب) جامع نسبی: در این نوع، احادیث وارده در یک موضوع خاص است مثلاً ابواب فقهی که برای نمونه کتاب‌های السنن در اهل سنت و به الاستبصار در شیعه اشاره می‌شود (معارف، ۱۳۸۹، ص ۶۹).

در خصوص الاستبصار، اول اینکه از نوع جوامع نسبی حدیثی است و نکته دیگر اینکه در همین مورد جمع روایات کار جدیدی صورت نگرفته است و جز چند مورد معدود تمام روایات در کتاب تهذیب آمده است؛ بنابراین در مقام جمع احادیث متعارض که برگرفته از کتاب پیشین همین مؤلف است؛ جامع نسبی است و به اطمینان با این شاخصه می‌توان ادعا کرد که این کتاب به عنوان جامع در مقام و ردیف کتاب الکافی نیست. در مقایسه با این کتاب می‌توان مجموعه‌هایی را جستجو و مورد بررسی قرار داد که بخش قابل توجهی از تعاریف موجود برای جامع حدیثی بر آن اطلاق می‌شود اما در این مسیر مهجور مانده است. مانند جامع حدیثی «الاصول المهمه فی اصول الائمه» اثر شیخ حرّ عاملی (معارف، ۱۳۹۶، ص ۱۶۵).

دلیل دیگر وجود آثاری است که با مشخصات و شاخصه‌های بیشتری می‌تواند جامع مطلق در نظر گرفته شود. برای مثال درباره کتاب «جوامع الکلام فی دعائم الاسلام» تأییدی از طرف شیخ آقابزرگ طهرانی صورت گرفته است و آن را در زمره جوامع حدیثی چهارگانه متأخر قرار می‌دهد (تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۵، ص ۲۵۳). هم‌چنین اشکوری در معرفی این کتاب براساس نسخه‌های موجود در کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی تنظیم کتاب را شبیه به تنظیم کتاب الکافی می‌داند (اشکوری، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۲۳۲-۲۳۳؛ ر.ک. والازاده، حافظیان، ۱۳۸۳، ص ۱۲۰) مطلبی که درباره استبصار صدق نمی‌کند و آن را در رده جامع نسبی قرار می‌دهد.

۶-۳- بیانات مؤلف کتاب

از بیانات خود شیخ طوسی هم در مقدمه کتاب الاستبصار و هم در مشیخه آن و همچنین در کتاب الفهرست چنین برمی‌آید که شیخ تألیف این کتاب را، پس از نگارش دو کتاب فقهی دیگر خود، یعنی کتاب‌های تهذیب الاحکام و النهایه و به درخواست عده‌ای از علما، به سرانجام رسانده است (طوسی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳؛ ج ۴، ص ۳۰۵).

در کتاب الفهرست، کتاب الاستبصار چنین معرفی شده است: «...کتاب دیگر ایشان کتاب الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار است که شامل چندین کتاب از تهذیب الاحکام است و این کتاب برخلاف تهذیب که به ذکر اخبار موافق و مخالف پرداخته بود، تنها به ذکر محدودی از روایات و اخبار بسنده کرده است که دارای اختلاف است» (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۱۶۰).

وی در مقدمه الاستبصار، روش کار خود را این‌گونه گزارش کرده است: «من در ابتدای هر باب، نخست فتوای مورد نظر خود و روایات آن را ذکر می‌کنم، سپس روایات مخالف با روایات دسته نخست و راه جمع میان آن‌ها تا آنجا که امکان جمع وجود داشته و منجر به کنار گذاشتن دسته‌ای از روایات نشود را ذکر می‌کنم و در این کار، از همان شیوه خود در کتاب تهذیب الاحکام کمک می‌گیرم...» (طوسی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۴۴).

در ابتدای مشیخه خود که در پایان کتاب الاستبصار آمده، خطاب به کسانی که تألیف این کتاب را از او خواسته بودند، این‌گونه سخن گفته است: «خواستۀ شما را در گردآوری اختصاصی روایات مختلف و مرتب ساختن آن‌ها طبق کتب فقهی اجابت نمودم و در هر بابی، روایات مخصوص به آن باب را آوردم و تا آن اندازه که می‌توانستم به ذکر این دست از روایات اخلال نکردم.... و این کتاب، دربرگیرنده روایات مخالف و بیان وجه تأویل و راه جمع میان آن‌ها است» (طوسی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۱۷).

کتاب الاستبصار به درخواست جمعی از علمای بزرگ شیعه، تنها به هدف گردآوری روایات فقهی متعارض و متخالف و راه‌هایی برای جمع میان آن‌ها نگاشته است و هیچ‌گاه ادعایی مبنی بر تدوین جامعی حدیثی در احادیث فقهی نداشته است. شیخ طوسی به

هدفی که برای تدوین الاستبصار اشاره شده است نیز دست نیافته زیرا موفق به آوردن تمامی روایات متعارض و مختلف در کتاب الاستبصار نشده است. در نتیجه این مطلب دایره قرار گرفتن این کتاب در تعریف جامع حدیثی بسیار محدود و غیرقابل اعتنا می‌شود.

۳-۶- الاستبصار، گزیده‌ای از تهذیب الاحکام

شیخ طوسی درباره انگیزه خود در تألیف الاستبصار چنین توضیح می‌دهد که این تألیف در واقع روایات متعارض کتاب تهذیب الاحکام است را استخراج کرده تا میان آنان نوعی جمع و یا تعدیل و ترجیح برقرار نماید (طوسی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲؛ به نقل از دهقان منگابادی، ۱۳۸۴، ص ۲۱۷). شیخ طوسی پس از پایان تألیف کتاب تهذیب الاحکام، گزیده‌ای از آن کتاب را که اختصاص به روایات متعارض داشت، انتخاب کرد و با نام «الاستبصار فی ماختلف من الاخبار» منتشر کرد (طباطبایی، ۱۳۹۷، ص ۶۵).

دلایل کسانی که کتاب الاستبصار را جامع حدیثی می‌دانند، پذیرفتنی نیست زیرا تمامی روایات الاستبصار، در تهذیب الاحکام نیز موجود است: «الاستبصار بخشی از کتاب تهذیب است و شیخ طوسی آن را از تهذیب جدا کرد و آن را به اخبار مختلف محدود کرد و آن را با آشنا و ناشناس ترکیب کرد» (فیض کاشانی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۶). این کتاب گزیده تهذیب الاحکام است و تنها به اخبار اختلافی و وجه جمع آن‌ها اشاره کرده است. از این رو، در زمره کتاب‌های تطبیقی فقه الحدیثی قرار می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۸۹، ص ۶۶). بیشتر مآخذ احادیث الاستبصار همان مآخذ تهذیب الاحکام است و تنها در موارد اندکی تغییر یافته است. تفاسیر و توضیحات مؤلف در الاستبصار درباره احادیث و شیوه رفع تعارض میان آن‌ها، بیشتر از تهذیب گرفته شده است، هرچند در تعابیر و الفاظ دو کتاب تفاوت‌هایی وجود دارد (قاضی پور و مؤمن زاده، ۱۳۹۶، ص ۶۱). محققان معاصر نیز به این نکته اذعان داشته‌اند که: «ترتیب اسانید تهذیب شامل الاستبصار هم هست؛ چون الاستبصار حتی یک کتاب هم اضافه بر تهذیب ندارد، بلکه یک قسمتی از روایات تهذیب را که روایات مورد اختلاف است، جدا کرده است. من در تمام تهذیب دو روایت را دیدم که در تهذیب نبود و در الاستبصار بود. آن هم من احتمال اشتباه می‌دهم» (واعظ زاده خراسانی، بی‌تا، ص ۲۸).

کتاب تهذیب الاحکام جزء جوامع اولیه حدیثی شیعه محسوب می‌شود و با ذکر این نکته که الاستبصار، خلاصه‌ای از تهذیب الاحکام است، منطقی به نظر نمی‌رسد که الاستبصار نیز در زمره جوامع حدیثی اولیه شیعه قرار گیرد. موافقان جامع بودن الاستبصار باید برای دو پرسش اساسی پاسخ ارائه کنند: نخست اینکه چگونه می‌توان به طور هم‌زمان هم یک کتاب را جامع نامید و هم خلاصه یا برگزیده همان کتاب را جامع تلقی کرد؟ دوم اینکه اگر کتاب تهذیب الاحکام، جامع است، دیگر چه نیازی به جامع دیگر وجود دارد؟ آیا نگارش جامع دوم، خود دلیلی بر عدم جامعیت جامع اول نیست؟ می‌توان در پاسخ به این سوالات مطرح کرد این اصطلاح از ابتدا وجود نداشته است که بعد مؤلفین با هدف جامع‌نگاری اثر خود را تدوین کرده باشند در نتیجه شیخ طوسی درباره جامع بودن کتاب الاستبصار به نحوی که معروف شده است ادعا و هدفی نداشته است بلکه بعدها از ناحیه افرادی که به دسته‌بندی کتاب‌ها روی آوردند و از بیرون این نام بر کتاب اطلاق شده است که صحیح نمی‌نماید.

نتیجه

کتاب الاستبصار با وجود جایگاه ارزشمندی که در تاریخ حدیث شیعه دارد، نمی‌تواند در زمره جوامع حدیثی اولیه شیعه قرار گیرد؛ نتایج حاصل از این ادعا به صورت سه نتیجه کلی ارائه می‌گردد:

۱. تعریف جامعی از اصطلاح جوامع حدیثی در دسترس نیست؛ با این توضیح از میان تعاریف موجود هر تعریفی هم که برگزیده باشد، کتاب الاستبصار براساس آن تعریف جامع نیست چون با هیچ کدام سنخیت ندارد.
۲. با تعریفی مضیق می‌توان کتاب الاستبصار را جامع فقهی و به عبارتی جامع نسبی در نظر گرفت که در اینصورت هم با توجه به محتوا و روایات موجود در کتاب نسخه دیگری از تهذیب به شمار می‌رود که فقط از لحاظ روش برای حل تعارض جمع شده است در نتیجه لزومی نیست با عنوان "جامع" دو کتاب با محتوای مشترک وجود داشته باشد.
۳. علی‌رغم شهرت مطلق کتب اربعه حدیثی شیعه که کتاب الاستبصار نیز جزء این

جوامع مطرح می‌شود؛ با دلائلی که در پژوهش مطرح شد اثبات می‌شود این کتاب جزء جوامع حدیثی شیعه نیست.

۴. نظریه طرفداران جامع بودن این کتاب به این دلیل که کتابی منحصر به فرد و بی‌مانند در زمینه روایات متعارض است، قابل قبول نیست؛ چرا که تمامی روایات آن از کتاب دیگر شیخ طوسی با عنوان تهذیب الاحکام گرفته شده است و می‌توان کتاب الاستبصار را خلاصه و گزینش شده تهذیب الاحکام به حساب آورد.

۵. ماهیت محتوا و ساختار کتاب الاستبصار؛ با تعاریفی که از جامع حدیثی در میان اندیشمندان و محققان حوزه حدیث وجود دارد و همچنین شرایطی که برای جامع حدیثی بر شمرده‌اند، سازگاری ندارد، چرا که کتاب الاستبصار تنها در بردارنده احادیث اختلافی و شیوه جمع بین آن‌ها است و کتابی جامع روایات و موضوعات فقهی نیست.

۶. از بیانات مؤلف کتاب به وضوح برمی‌آید که او هرگز در صدد تألیف و تدوین جامعی حدیثی برای گردآوری روایات معصومان علیهم‌السلام نبوده است، بلکه هدف وی در این اثر، جمع روایات متعارض و مخالف و بیان شیوه‌های رفع اختلاف آن‌ها برای دسترسی آسان علاقه‌مندان و محققان این عرصه بوده است.

فهرست منابع

- ابن ادریس، محمد بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، قم: اسلامی، ۱۴۱۰ق.
 ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۲۰ق.
 ابن طاووس، علی بن موسی، فتح الابواب، بیروت: آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.
 ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ق.
 آقابزرگ تهرانی، محمد محسن، الذریعه الی تصانیف الشیعه، نجف: مطبعه الغری، ۱۴۰۳ق.
 اشکوری، سید احمد، التراث العربی المخطوط فی مکتبات ایران العامه، قم: دلیل ما، ۱۳۸۸ش.
 امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
 جدیدی نژاد، محمدرضا، معجم مصطلحات الرجال و الدراییه، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۰.
 حاج منوچهری، فرامرز، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۸.
 حجت، هادی، جوامع حدیثی شیعه، تهران: سمت، ۱۳۸۶.
 حسین زاده، اکرم؛ موسوی، سید محسن، «بازخوانی مفهوم جوامع حدیثی»، مطالعات تاریخی قرآن و حدیث، ش ۶۵، ۱۳۹۸.

- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، قم: نوید اسلام، ۱۳۹۰.
- رحمان ستایش، محمد کاظم، **جوامع حدیثی شیعه و بحار الانوار**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.
- صالح، صبحی، **علوم الحدیث و مصطلحه**، نجف: المکتبۃ الحیدریه، ۱۴۱۷ق.
- صدرعاملی، حسن، **النهایه الدراییه**، قم: معشر.
- طباطبایی، محمد کاظم، **تاریخ حدیث شیعه ۴**، قم: دارالحدیث، ۱۳۸۹.
-، **محدثان و آثار حدیثی شیعه**، قم: امام علی بن ابیطالب علیه السلام، ۱۳۹۷.
- طریحی، فخرالدین، **مجمع البحرین**، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۵.
- طوسی، محمد، **رجال الطوسی**، قم: جامعه المدرسین، ۱۳۷۳.
-، **الفهرست**، قم: شریف رضی.
-، **الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۳.
- عتر، نورالدین، **منهج النقد فی علوم الحدیث**، دمشق: دارالفکر، ۱۴۰۶.
- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، **الوافی**، اصفهان: مکتبۃ امیرالمؤمنین، ۱۳۶۵.
- قاضی پور، سعید؛ مؤمن زاده، مهدی، **معرفی کتب اربعه شیعه**، تهران: آرن، ۱۳۹۶.
- قرشی، سید علی اکبر، **قاموس قرآن**، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱.
- کتانی، محمد بن جعفر، **الرساله المستطرفه**، بیروت: دارالبشائر الاسلامیه، ۱۴۱۴.
- مبارکفوری، محمد بن عبدالرحیم، **تحفه الاحوذی**، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰.
- مدیر شانه چی، کاظم، **درايه الحدیث**، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۷۲.
- مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
- معارف، مجید، **تاریخ عمومی حدیث**، تهران: کویر، ۱۳۸۸.
-، **مباحثی در تاریخ حدیث**، تهران: نیا، ۱۳۸۹.
- معارف، مجید؛ احمدی آشتیانی، فرهاد، **معرفی جامع حدیثی «الفصول المهمه فی اصول الائمة»**، سفینه، ۱۳۹۶، سال پانزدهم، شماره ۵۷.
- موسوی، سید محسن؛ آقاجانی، مجتبی، «**نمودهای جامعیت بحار الانوار**»، **دوفصلنامه مطالعات فهم حدیث**، ش ۱۵، ۱۴۰۰.
- نصیری، علی، **آشنایی با جوامع حدیثی شیعه و اهل سنت**، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۵.
- واعظ زاده خراسانی، محمد، **رسائل حول حیات الشیخ الطوسی، الرسائل العشر**، قم: اسلامی.
- والا زاده، ابوالفضل؛ حافظیان، ابوالفضل، نگاه‌ی به کتاب «**جوامع الكلم فی دعائم الاسلام**»، سفینه، ۱۳۸۳، شماره ۳.